

بررسی موضوع عضویت ایران در سازمان جهانی بازرگانی موجب شده است تا کشور ما همانند بسیاری از کشورهای خود را برای پذیرش آثار جهانی شدن اقتصاد آماده کند. این پدیده افزون بر اقتصاد، بر امنیت شغلی کارگران و وضع کارگاههای تولیدی نیز آثار پرهیزناپذیر دارد. در وضع جهانی شدن اقتصاد، بر پایه آزادی واردات و صادرات، بازارهای ملی رفته رفته به بازارهای فراملی تبدیل می شود و با توجه به مزیت های نسبی تولید و گردش سریع سرمایه و پراکندگی مراکز تولید در نقاط گوناگون جهان، کارگاههای تولیدی بر پایه محل تولید سودآورتر و دارای هزینه کمتر برگزیده خواهند شد. آثار جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران را از دو دیدگاه منفی و مثبت می توان ارزیابی کرد. از دید منفی، جهانی شدن اقتصاد با دگرگون کردن روابط سنتی کار، امنیت شغلی کارگران را با چالشهای تازه روبرو خواهد کرد. اگر توسعه و رقابت جهانی بر پایه هزینه کار باشد در این صورت منافع کارگران فدای کاهش هزینه تولید خواهد شد و از این رو کارگران را پایین ترین معیارها در زمینه کار محروم می شود و ناگزیر است شرایط کاری بدتری را در قیاس با شرایط قراردادهای سنتی کار بپذیرد. از این نظر، جهانی شدن، پشتیبانی کمتر از کارگران در شرایط قراردادهای بیکاری و بروز ناهنجاریهای اجتماعی، کاهش اشتغال ثابت زنان و بی ثباتی اقتصادی را در پی دارد. افزون بر این، کارگران در شرایط جهانی شدن کار ممکن است برای حفظ موقعیت شغلی خود به صورت مقطعی و در برابر تضمین کار فرما از پاره ای حقوق ابتدایی خود مانند حق اعتصاب چشم پوشی کنند و به جای پیمانتهای گروهی به قراردادهای فردی یا کار فرما روی آورند و حتی به سبب شرایط بازار با او متحد شوند. چنین مواردی به تضعیف پیمانتهای گروهی کار می انجامد. جهانی شدن اقتصاد می تواند نیروی سندیکاهای کارگری را کاهش دهد و آنها را در پذیرش اعضای تازه به سبب پراکنده بودن مراکز تولید با دشواری روبرو سازد و قدرت چانه زنی آنها را کاهش دهد. اما در برابر، از دید مثبت، جهانی شدن اقتصاد با یکسان کردن نسبی وضع کارگران، می تواند امنیت شغلی آنان را بهبود بخشد و در مواردی امکانات رفاهی و سطح درآمد آنان را افزایش دهد و در این وضع، سندیکاهای کارگری را برای قبولانیدن شرایط رفاهی کارگران به کارفرمایان در وضع بهتری قرار دهد و با افزایش همبستگی بین المللی کارگران در زمینه مسائل کارگری، امکان همبستگی آنان با گروههای غیر کارگری را فراهم آورد. به هر رو، با وجود ضعف شدن نهادهای قانونی کار از جمله سندیکاهای کارگری در چارچوب جهانی شدن اقتصاد، می توان بر پایه سیاستهای تازه دولتها، سندیکاهای کارگری و مراجع حل اختلاف کارگران و کارفرمایان و تنظیم شرایط تازه کار از سوی سازمان بین المللی کار و قانونگذاران در هر کشور، این پدیده را به فرصتی برای افزایش ضریب امنیت شغلی کارگران و تحکیم نهادهای قانونی کار تبدیل کرد.

جهانی شدن و امنیت شغلی کارگران

نگارنده:

دکتر منوچهر تومنلی نائینی
استادیار و مدیر گروه حقوق
دانشگاه شهر کرد

پیشگفتار:

و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.»

بر پایه اصل ۲۸ قانون اساسی، دولت موظف

در ماده ۶ قانون کار در جمهوری اسلامی ایران آمده است: «بر اساس بند چهار اصل چهارم و سوم و بند شش اصل ۲ و اصول نوزدهم، بیست و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره کشی از دیگری ممنوع

این پدیده در درازمدت بازارهای ملی را به بازارهای فراملی پیوند می‌دهد و سرانجام آنها را به صورت زیرمجموعه‌ای از بازارهای فراملی درمی‌آورد.

آثار منفی جهانی شدن:

۱- پشتیبانی کمتر از کارگران در شرایط خصوصی سازی

امروزه در بسیاری از کشورها خصوصی سازی صنایع مادر مانند برق، آب، مخابرات و نفت و گاز، و نیز راه آهن و... شتاب بیشتری گرفته است. بخشی از این شتاب از شرایط اقتصاد جهانی و نیز بیدایش اتحادیه‌های منطقه‌ای در نقاط گوناگون جهان مایه می‌گیرد، اما بخش دیگر ریشه در رویارویی با بحرانهای اقتصادی و تشویق کارآفرینان به بازار و سرمایه گذاری دارد.

با افزایش خصوصی سازی، دولت‌ها با چالشی جدی‌تر روبه‌رو می‌شوند زیرا از یک سو ناگزیر از کاهش دادن قدرت سندیکاها و اتحادیه‌های کاری می‌شوند تا با ایجاد انگیزه سرمایه گذاری بیشتر در کارآفرینان، زمینه را برای دریافت مالیات و سهم بیمه بیشتر فراهم آورند و درآمد خود را افزایش دهند و از سوی دیگر، نمی‌توانند دفاع از منافع انبوه کارگران را از صدر برنامه‌های خود کنار گذارند؛ افزون بر این، با گرایش به خصوصی سازی و کاهش حمایت‌های دولتی نمی‌توانند از پدیده بیکاری در امان بمانند.

از این رو دولت‌ها در برابر این چالش و بحران بیکاری ممکن است به دوروش روی آورند. روش نخست و آگذاری اجباری بخشی از خدمات عمومی به بخش خصوصی است. برای نمونه، بسیاری از خدمات مانند خدمات بیمارستانی، سلف سرویس‌های دانشگاه‌ها و خدمات توریستی و مسافرتی را که پیش از این به دوش دولت بوده است با بستن قراردادها و مناقصه به بخش خصوصی واگذار می‌کنند. روش دوم ایجاد مشاغل پاره وقت و موقت در سطح وسیعتر (در ساعات و محل‌های گوناگون و در چارچوب تخصص‌های گوناگون) به جای حفظ و ایجاد مشاغل ثابت است که در صد کمتری از کارگران را پوشش می‌دهد. با این روش، بازار کار،

است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد کند. بند ۳ اصل ۴۳ در تکمیل همین اصل مقرر می‌دارد که شکل و محتوا و ساعات کار باید به گونه‌ای باشد که فرد افزون بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت بویا در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. در همین راستا، ماده ۱۳۱ قانون کار مقرر می‌دارد که در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسی و به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان، که خود متضمن حفظ منافع جامعه است، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان در یک حرفه یا صنعت می‌توانند به تشکیل انجمن‌های صنفی مبادرت کنند. اصول و مواد قانونی افزون بر اصل برابری افراد در اشتغال، به گونه‌ای بر امنیت شغلی کارگران نیز تأکید دارد.

چنانچه آینده شغلی کارگران تضمین شود با دلگرمی بیشتری در کارگاه‌ها به تولید می‌پردازند و آرامش روانی کامل به بهبود کیفیت محصولات و بهره‌گیری بهتر از مواد اولیه و ماشین‌ها می‌انديشند. آثار جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران را از دو دیدگاه منفی و مثبت می‌توان ارزیابی کرد. در این پژوهش، گذشته از بررسی آثار مثبت و منفی جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران، راهکارهایی پیشنهاد خواهد شد.

آثار گوناگون «جهانی شدن» بر اقتصاد

ملی و امنیت شغلی کارگران

جهانی شدن اقتصاد در نخستین پهنه فعالیت اقتصادی انسان یعنی بازار تحولی بنیادی پدید می‌آورد. این پدیده با تأکید بر اقتصاد مبتنی بر آزادی واردات و صادرات، سبب می‌شود که بازارهای ملی رونق گرفته به بازارهای فراملی تبدیل شود و با توجه به مزیت‌های نسبی تولید و گردش سریع سرمایه و پراکندگی مراکز تولید در نقاط گوناگون جهان، کارگاه‌های تولیدی بر پایه محل تولید سودآورتر و دارای هزینه کمتر برگزیده شوند. به سخن دیگر،

○ اگر توسعه و رقابت جهانی بر پایه هزینه کار باشد در این صورت منافع کارگران فدای کاهش هزینه تولید خواهد شد و از این رو کارگر از پایین ترین معیارها در زمینه کار محروم می‌شود و ناگزیر است شرایط کاری بدتری را در قیاس با شرایط قراردادهای سنتی کار بپذیرد.

زنان کارگر به علت پابندیهای خانوادگی بیشتر و وابستگی فرزندان به آنان، از دسترسی به مشاغل پر درآمد باز خواهند ماند زیرا لازمه چنین مشاغلی، جابه جاشدن است. البته موقت بودن پیوندهای شغلی و انعطاف پذیری زمان و مکان کار می تواند نقشی تعیین کننده در ایجاد تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی داشته باشد، اما این امر به خودی خود آثاری منفی بر زندگی زنان می گذارد زیرا، هر چند با گسترش کارهای پاره وقت امکان سازش دادن تکالیف خانوادگی و نقش اجتماعی آسان می شود، اما باید توجه داشت که در نظام حقوقی کشورهای غربی، زنان نیز همانند همسران خود وظیفه غذا دادن به فرزندان را بر دوش دارند که بار آنان را سنگین می کند.

نتیجه گزینش کارهای پاره وقت و موقت از سوی زنان، دریافت حقوق کمتر و بی بهره ماندن از امتیازات دوران بازنشستگی است. پس باید پذیرفت که گرایش زنان به این گونه کارها، تا آن اندازه که به سود کارفرمایان است، به سود زنان نیست. این وضع سبب می شود که مردان کارگر دسترسی بیشتری به بازار کار و مشاغل کمابیش ثابت داشته باشند و کارفرمایان هم آنان را به علت برخورداری از مهارت های بیشتر و نداشتن وظایف خانه داری، بر زنان ترجیح دهند.

۴- بی ثباتی اقتصادی

یکی از دشواریها در زمینه جهانی شدن این است که در چارچوب اقتصادهای به هم پیوسته و وابسته، هر گونه شوک جهانی یا منطقه ای، مانند بحران ۹۸-۱۹۹۷ آسیای جنوب شرقی و روسیه، می تواند به سرعت به دیگر اقتصادها گسترش یابد و سبب کاهش حجم واردات یا تغییر بهای واقعی کالاها شود. اقتصادهای تک محصولی می توانند بر اثر این شوکها به سختی آسیب ببینند. برای نمونه، می توان به کاهش بهای نفت در مورد ونزوئلا، اکوادور، اندونزی، مکزیک، روسیه و کاهش بهای مس در مورد شیلی اشاره کرد. بازارهای مالی وابسته به اقتصاد جهانی می توانند شوکهای منطقه ای، ناحیه ای یا جهانی را سریعتر از زمانی که این بازارها

هم گردش سرمایه بیشتر و هم قدرت گزینش شمار بیشتری از کارگران را دارد. بر اثر این روش امکان اشتغال برای کسانی فراهم می شود که کارآمدی و هماهنگی بیشتری با این شرایط داشته باشند. به هر رو، اجرای این دوروش به بی طرفی دولت و رها شدن بازار در سایه بر خورد عرضه و تقاضا می انجامد که نتیجه آن افزایش هزینه های زندگی و تورم سنگین برای گروه های ضعیف و بویژه کارگران خواهد بود. بنابراین، بی طرفی دولت در امور اقتصادی به پشتیبانی نشدن کارگران در بازار کار خواهد انجامید.

۲- بیکاری و بروز ناهنجاریهای اجتماعی

در يك نظام جهانی اقتصادی اگر کالاها و خدمات يك کشور در پهنه رقابت جهانی عرضه شدنی نباشد، اقتصاد آن کشور بار کودر و بیرومی شود و این، به ناپودی بخشی از صنایع و بیکاری می انجامد که آثار آن بر امنیت شغلی کارگران را نمی توان انکار کرد. هماهنگ نشدن دولتها با پدیده جهانی شدن در درازمدت دشواریهای اقتصادی را افزایش می دهد و بهر کود اقتصادی و کاهش درآمد سالانه می انجامد. پدیده جهانی شدن اقتصاد، به گونه طبیعی و رشکستگی باره ای کارگاهها را که قدرت رقابت در شرایط تازه اقتصادی یا اجتماعی را نداشته باشند در پی دارد. این کارگاهها ناچار به اخراج یا باز خرید خدمت بخش بزرگی از کارگران خود می شوند. پاره ای کارگاهها نیز با بهره گیری مزایای جهانی شدن نشانند ماشین و رایانه به جای انسان و همچنین ارائه تخصصها و مشاغل تازه و حذف صنایع دستی، رشد بیکاری را افزایش می دهند و سبب بروز ناهنجاریهای اجتماعی بسیار می شوند.

۳- کاهش اشتغال زنان به کارهای ثابت

بارخ نمودن پدیده جهانی شدن در کشورهای صنعتی، گذشته از معیارهایی مانند داشتن مهارت های شغلی، قدرت رقابت با مردان در رفتن از کشوری به کشور دیگر نیز یکی از عوامل اشتغال زنان شمرده می شود. در واقع، از دید کارفرمایان، برای پاسخگویی به دگرگونی های سریع در بازار جهانی، به کارگیری نیروی کار شناور لازم است. در این حالت

○ با وجود ضعیف شدن نهادهای قانونی کار از جمله سندیکاهای کارگری در چارچوب جهانی شدن اقتصاد، می توان بر پایه سیاستهای تازه دولتها، سندیکاهای کارگری و مراجع حل اختلاف کارگران و کارفرمایان و تنظیم شرایط تازه کار از سوی سازمان بین المللی کار و قانونگذاران در هر کشور، این پدیده را به فرصتی برای افزایش ضریب امنیت شغلی کارگران و تحکیم نهادهای قانونی کار تبدیل کرد.

جهانی شدن آثار منفی اجتماعی نیز دارد زیرا این پدیده در بیشتر موارد با افزایش بی ثباتی در تولید و اشتغال همراه است. در استراتژی رقابت بر پایه هزینه کار، چه بسا مصالح کارگران قربانی کاهش هزینه تولید شود و کارگر بهره‌ای از کمترین استانداردهای دستمزدها، بهداشت کار و... نبرد. جهانی شدن بر امنیت شغلی نیز اثر می‌گذارد. در آمد ناشی از نیروی کار، منبع بزرگ درآمد برای کسانی است که در نظام بازار آزاد سرگرم کارند. از این رو، بی ثباتی در تولید و اشتغال در بردارنده ناامنی شغلی است که از دید اجتماعی خطرناک بوده و تنش‌ها به سطح جامعه می‌آورد. افزون بر این در شرایط جهانی شدن، توفیق در بازارهای کار، بستگی به نر مش بازار کار دارد. در چنین حالتی، امنیت شغلی نسبی در وضع پیش از جهانی شدن با از میان رفتن روابط فردی و کاری بین شرکتها و کارکنان، و بین کارگران و مدیران در بلندمدت به سستی می‌گراید.

جهانی شدن زندگی در یک فضای اقتصادی رقابتی تر، برای نیروی کاری تخصص، کارگران آموزش ندیده و جمعیت حاشیه‌ای، امنیت شغلی کمتری در پی دارد؛ در برابر، برای افراد برخوردار از مهارت‌های تخصصی و خوب آموزش دیده و دارای ویژگی‌های مدیریتی، امکانات شغلی بیشتری فراهم می‌آورد. این افراد برای زندگی و پیشرفت در محیطی رقابتی تر که در جهانی شدن پدید می‌آید آماده تر هستند. این امر می‌تواند نابرابری درآمد و ثروت را گسترش دهد تا آنجا که به سیاستگذاری در دولت برای اصلاح روند نابرابری نیاز افتد.

شدتضعیف پیمانهای گروهی کار

جهانی شدن اقتصاد در کنار نر مش بیشتر مراکز تولید، بهبود کیفیت کالا و افزایش بازدهی، زمینه رقابت بیشتر میان تولیدکنندگان در بازارهای ملی را فراهم می‌آورد. این رقابت سبب دگرگونی‌هایی در ماهیت کار می‌شود که بر روند همبستگی سندیکاهای کارگری نیز اثر خواهد داشت. در حالت جهانی شدن، شرایط کار به شرایط ویژه هر تولیدکننده یا شرکت پیمانکار بستگی خواهد

داشت. چنین وضعی قدرت چانه‌زنی سندیکاهای کارگری را کاهش می‌دهد و آنها را در پذیرش گری اعضای تازه با دشواری روبه‌رو می‌سازد. در این حالت، از یک سو، چه بسا که کارگران برای حفظ موقعیت شغلی خود به گونه‌ای مقطعی از اعمال پاره‌ای حقوق خود مانند حق اعتصاب چشم‌پوشند و به جای پیمانهای گروهی به پیمانهای فردی روی آورند و حتی در پاره‌ای موارد به سبب شرایط بازار با کارفرمایان خود متحد شوند که این روند سبب سستی پیمانهای گروهی کار خواهد شد. از سوی دیگر، سستی گرفتن سندیکالیسم و گرایش سندیکاهای کارگری به سوی سازماندهی در بخش خدمات خصوصی، به گونه‌ای نامحسوس سبب کاهش قدرت آنها در مذاکرات گروهی و پیمانهای جمعی کار می‌شود. به هر رو، سستی پیمانهای گروهی کار می‌تواند از ضریب امنیت شغلی کارگران بکاهد و آنها را با وضعی شکننده در برابر کارفرمایان روبه‌رو سازد.

آثار مثبت جهانی شدن

۱- ایجاد وضع کمابیش یکسان برای کارگران جهانی شدن سبب گردش سریع سرمایه در جهان و توسعه تکنولوژی تولید می‌شود که جهانی شدن تولید یکی از نتایج آن است. در این وضع به جای تمرکز، پراکنندگی مراکز تولید در سطح جهان روبه‌رو خواهیم شد زیرا شرکتها و کمپانیهای بزرگ کارگاههای تولیدی خود را در محل‌های سودآورتر برپا می‌کنند و مبنای هزینه‌های کمتر تولید می‌گذارند. جهانی شدن اقتصاد، استانداردها و روشهای تولید، ایجاد سیستمهای تولید انبوه و افزایش سریع سرمایه را در پی دارد که بر اثر آن امکان تولید بیشتر با کارگران کمتر و کیفیت بهتر فراهم خواهد شد. این دگرگونی‌ها نه تنها بر کارگران بخشهای تولیدی، بلکه بر کارگران بخش خدمات هم اثر خواهد داشت. چنین وضعی سطح سلسله مراتب و اختلاف وضع کارگران در نقاط گوناگون جهان را دگرگون کرده و تا اندازه‌ای یکسانی نسبی در وضع آنان پدید می‌آورد آنچنان که کارگران از حداقل استانداردها برخوردار می‌شوند. چنین

○ جهانی شدن همراه با پیشرفت‌های تکنولوژیک چه بسا سبب افزایش بی ثباتی اشتغال و سرانجام گسترش تفاوت‌های درآمدی در درون و بیرون کشورها شود. از این رو، آثار جهانی شدن بر توزیع درآمدها و تفاوت‌های اجتماعی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. بحران شدید اقتصادی-مالی در عصر جهانی شدن اغلب به افزایش فقر و تنشهای اجتماعی می‌انجامد که از بعد سیاسی می‌تواند بی ثباتی به بار آورد.

وضعی در درازمدت در بهبود امنیت شغلی کارگران مؤثر است.

آنان را افزایش می‌دهد. در درازمدت چنین روندی به تضمین بهتر امنیت شغلی کارگران خواهد انجامید.

۲- افزایش امکانات رفاهی

در چارچوب جهانی شدن، اشتغال بی‌ارزش افزوده پذیرفته نیست و به جای صنایع کارگربر، بر بهره‌وری صنایع تأکید می‌شود زیرا توسعه اشتغال همراه با افزایش ارزش افزوده به رفاه بیشتر کارگران می‌انجامد. از این نظر، جهانی شدن می‌تواند با افزایش درآمد بنگاههای تولیدی یا خدماتی، شرایط بهتری برای کارگران فراهم آورد و رفاه آنان را افزایش دهد. افزایش درآمد کارگاههای تولیدی در پرتو جهانی شدن، سندیکاهای کارگری را در وضع بهتری برای تحمیل شرایط رفاهی کارگران به کارفرمایان قرار می‌دهد. افزایش درآمدها، نیروی چانه‌زنی این سندیکاهارا در برابر سندیکاهای کارفرمایی افزایش می‌دهد. افزایش درآمد بنگاههای تولیدی، سبب افزایش رفاه می‌شود و افزایش رفاه در درازمدت ضریب امنیت شغلی کارگران را بیشتر خواهد کرد.

۳- همبستگی جهانی در مسائل کارگری

جهانی شدن اقتصاد می‌تواند میان کارگران کشورها گونه‌ای همبستگی جهانی در مورد مسایل کارگری پدید آورد. پیش از جهانی شدن، با توجه به شرایط اقتصادی هر کشور و جدایی اقتصادهای ملی از یکدیگر بین کارگران کشورهای گوناگون بر پایه شرایط مادی موجود اختلافهایی وجود داشت که جلوی نزدیکی آنها را در پهنه جهانی می‌گرفت ولی در شرایط جهانی شدن با پرننگتر شدن نقش سازمانهای بین‌المللی و ویژه سازمان بین‌المللی کار در تنظیم روابط کاری، امکان هماهنگ کردن شرایط تازه با استانداردهای کار در همه کشورهای فراهم آمده و در صورت سرپیچی از این استانداردها امکان واکنشهای فوری پیش‌بینی شده است. چنین وضعی کارگران را در نقاط گوناگون جهان، نسبت به سرنوشته دیگر همقطارانسان حساس می‌کند و همبستگی جهانی

○ از دید مثبت، جهانی شدن اقتصاد با ایجاد شرایط کمابیش یکسان برای کارگران، می‌تواند امنیت شغلی و در مواردی امکانات رفاهی و سطح درآمد آنان را افزایش دهد و سندیکاهای کارگری را برای قبولانیدن شرایط رفاهی کارگران به کارفرمایان در وضع بهتری قرار دهد و با افزایش همبستگی بین‌المللی کارگران در زمینه‌های کارگری امکان همبستگی آنان با گروههای غیر کارگری را فراهم آورد.

راهکارها:

جهانی شدن با وجود چالشهایی که در زمینه روابط کاری و امنیت شغلی کارگران پدید می‌آورد می‌تواند فرصتی برای امنیت شغلی شمرده شود. برای جلوگیری از آثار منفی جهانی شدن دولتها و سندیکاهای کارگری باید با ایجاد شیوه‌های تازه و هماهنگ با استانداردهای اعلام شده از سوی سازمان بین‌المللی کار، خود را برای دگرگونیهای لازم آماده کنند. پدیده جهانی شدن می‌تواند فرصتی برای افزایش اشتغال و رفاه کارگران، تحکیم نهادهای قانونی کار، ایجاد وضع کمابیش یکسان برای کارگران و همبستگی بین‌المللی در مسائل کارگری شمرده شود.

برای آمادگی در پهنه جهانی شدن، بازسازی فوری اقتصادهای ملی و توجه به مزیت‌های نسبی باید در زمره نخستین امور قرار گیرد. این پدیده ممکن است تا اندازه‌ای امنیت شغلی کارگران را با خطر روبه‌رو کند. به همین سبب قانونگذاران هر کشور باید با پیش‌بینی روشهای حقوقی تازه و هماهنگ با شرایط کنونی، روابط کارگران و کارفرمایان را تعدیل کنند و دولتها نیز با پشتیبانی از سندیکاهای کارگری به این امر کمک کنند. برای تقویت نهادهای کار مانند سندیکاهای کارگری باید به آنها امکان هماهنگ شدن با شرایط تازه داده شود. در این مورد هماهنگی سندیکاهای کارگری در کشورهای گوناگون و اتحاد سندیکایی یا ایجاد سندیکای واحد در درون کشورها می‌تواند به تقویت این نهادها بینجامد. اما از نظر حقوق کار و رابطه کارگران و کارفرمایان، باید این حقوق را با شرایط تازه تعدیل و هماهنگ کرد. در این مسیر، اراده سیاسی دولتها و تلاش دوطرف قرارداد کار برای تضمین امنیت شغلی کارگران در وضع تازه ضروری است.

بهره‌سخن:

جهانی شدن اقتصاد می‌تواند سبب دگرگونی در

چنین مواردی به سست شدن پیمانهای گروهی کار خواهد انجامید. جهانی شدن اقتصاد می تواند قدرت سندیکاهای کارگری را کاهش دهد و آنها را در پذیرفتن اعضای تازه، به سبب پراکنده بودن مراکز تولید، با دشواری روبه‌رو سازد و قدرت چانه‌زنی آنها را کاهش دهد.

ولی در برابر، از دید مثبت، جهانی شدن اقتصاد با ایجاد شرایط کمابیش یکسان برای کارگران، می تواند امنیت شغلی و در مواردی امکانات رفاهی و سطح درآمد آنان را افزایش دهد و سندیکاهای کارگری را برای قبولاندن شرایط رفاهی کارگران به کارفرمایان در وضع بهتری قرار دهد و با افزایش همبستگی بین‌المللی کارگران در زمینه‌های کارگری امکان همبستگی آنان با گروههای غیر کارگری را فراهم آورد. به هر رو، با وجود سستی گرفتن نهادهای قانونی در زمینه کار مانند سندیکاهای کارگری در روند جهانی شدن اقتصاد، می توان با اجرای سیاستهای تازه از سوی دولت‌ها، سندیکاهای کارگری و مراجع حل اختلاف کارگران و کارفرمایان و تنظیم شرایط تازه کار از سوی سازمان بین‌المللی کار و قانونگذاران هر کشور این پدیده را به فرصتی برای افزایش ضریب امنیت شغلی کارگران و تحکیم نهادهای قانونی کار تبدیل کرد.

مآخذ:

۱. براتی‌نیا، محمود. «کوچک شدن دولت و راهکارهای حفظ امنیت شغلی در مقررات کار جمهوری اسلامی ایران»، منبع اینترنتی www.ssi.ir/gogel/en/mi/45-4.htm
۲. توسلی نائینی، منوچهر. «تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر روابط کار»، سومین همایش ملی کار، تهران، ۱۳۸۱.
۳. رنجبری، ابوالفضل. حقوق کار، تهران: مجد، ۱۳۷۹.
۴. شیدفر، ز. حقوق کار و صنعت، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
5. Richard P. Chaykowski, *La mondialisation; le travail et les relations industrielles*. Queens University, Kingston; Ontario, 1998
۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

روابط کاری شود و با پیشرفت روزافزون تکنولوژی تولید، دولت‌ها را ناچار از تعدیل سیاستهای اقتصادی و رسیدن به تعادل در برابر دیگر دولت‌ها کند. عواملی مانند آمیختن سریع بازارهای مالی به یکدیگر، شوکهای مالی و تغییر سطوح سود بانکی، نرخهای ارز، بهای دارایی‌ها و سرانجام تولید و اشتغال با آثار منفی اجتماعی سبب دیگر گونیه‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه می‌شود که اثر آن بر روابط کاری و امنیت شغلی کارگران پررنگ‌تر است. جهانی شدن همراه با پیشرفت‌های تکنولوژیک چه بسا سبب افزایش بی‌ثباتی اشتغال و سرانجام گسترش تفاوت‌های درآمدی در درون و بیرون کشورها شود. از این رو، آثار جهانی شدن بر توزیع درآمدها و تفاوت‌های اجتماعی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. بحران شدید اقتصادی - مالی در عصر جهانی شدن اغلب به افزایش فقر و تنشهای اجتماعی می‌انجامد که از بُعد سیاسی می‌تواند بی‌ثباتی به‌بار آورد.

آثار جهانی شدن بر امنیت شغلی کارگران از دو دیدگاه منفی و مثبت ارزیابی می‌شود. از دید منفی، جهانی شدن اقتصاد با دگرگون کردن روابط سنتی حوزه کار، امنیت شغلی کارگران را با چالش‌های تازه روبه‌رو خواهد کرد. اگر توسعه و رقابت جهانی بر پایه هزینه کار باشد، مصالح کارگران فدای کاهش هزینه تولید خواهد شد و از این رو کارگران از برخورداری از استانداردهای لازم در زمینه حقوق کار بازمی‌مانند و شرایط کاری بدتری را نسبت به قراردادهای سنتی کسار می‌پذیرد. از این نظر، جهانی شدن، پشتیبانی کمتر از کارگران در شرایط خصوصی‌سازی، بیکاری و بروز ناهنجاریهای اجتماعی، کاهش اشتغال زنان در کارهای ثابت و بی‌ثباتی اقتصادی در پی دارد. افزون بر این، کارگران چه بسا در شرایطی قرار گیرند که برای حفظ موقعیت شغلی خود به گونه مقطعی و در برابر تضمین کارفرما از پاره‌ای از حقوق ابتدایی خود مانند حق اعتصاب چشم‌پوشند و به جای پیمانهای گروهی به قراردادهای فردی با کارفرما روی آورند و حتی به سبب شرایط بازار با او همدست شوند.